



تحلیل روش های رهبر انقلاب در اداره کشور

بر پایه خط مشی گذاری عمومی

فرشاد مهدی پور

مشکلات تحقیق

پرزنگ بودن سویه سیاسی پژوهش گران در ایران، علی رغم همه ادعاهای بی طرفی اندیشه ای، مسأله ای پنهان و ناگفته نیست؛ این مسأله چه از سوی حاکمیت دامن زده شده باشد و چه از سوی پاره ای عناصر مغرض، شرایطی را به وجود آورده که بسیاری را از ورود جدی و اثر گذار در حوزه مسائل حاکمیتی بازمی دارد و در طرف مقابل نیز، دولت را میان ارتباط گیری و عدم تعامل مردد می نماید. برخی بر این باورند که فشار سیاسی بر پژوهش گران منجر به فعال تر شدن جریان مخالف شده و همین فعالیت، ارتباط دانشگاه با سیاست را تحت الشعاع خود قرار داده است (داوری اردکانی، ۱۳۸۹: ۵۴). در واقع در این شرایط رفته رفته از دامنه موافقان و مخالفان کاسته شده و بخش بزرگی از محققان ترجیح می دهند تا هیچ اظهار نظر رسمی ای در حوزه مسائل عمومی سیاست نداشته باشند. به ناگزیر فقدان تحلیل های روش مند و مستمر، موجب بروز فاصله گذاری میان مجامع علمی و حاکمیتی شده است. هر چند به طور خاص، رهبر انقلاب با برگزاری سالانه چندین جلسه نمادین یا کاری با مراکز تحقیقاتی و دانش پژوهی - و علاوه بر آن به کارگیری طیف متنوع اعضای هیأت علمی دانشگاه برای مشورت دهی در موضوعات مهم یا کاربردی - چنین خلای را پوشش دهند، اما متأسفانه به نظر می رسد این حرکت از سوی دانشگاه چندان شتابان نیست و علی رغم همه مسأله سازی های سیاسی، باز هم گروه های درون متنی قصد ممانعت از کنش محققان در مسائل عمومی کشور را دارند.

به هر روی این مسأله به طور مشخص بدین جا انجامیده که اکنون تعداد تحلیل ها و پژوهش های حرفه ای مرتبط با این جایگاه به نحو قابل ملاحظه ای ناچیز است؛ به گونه ای که تعداد پایان نامه ها یا مقالات علمی - پژوهشی نوشته شده در این حوزه شاید به تعداد انگشتان دو دست هم نرسد و برخی از آن ها هم در ۳-۴ ساله اخیر نوشته شده اند. ناشناخته ماندن ابعاد سیاست های طرح یا اجرا شده، عاملی مضاعف در کم رنگ شدن پرداختن نهادهای پژوهشی به خط مشی های وضع شده از سوی رهبری است. در واقع مسؤولیت مصرح اصل ۱۱۰ قانون اساسی، چندان مورد پژوهش و تحلیل قرار نگرفته است.

تعریف تعریف مسأله

اگر خط مشی گذاری را در یک ترکیب بندی مشخص به شش مرحله: شناخت مسأله؛ ارزیابی بدیل ها و تعیین دستور کار؛ انتخاب راه حل؛ مشروعیت بخشی و اجرای خط مشی؛ ابلاغ و اجرا و بازخورد گیری و اصلاح خط مشی، تقسیم کنیم، روشن است که در اولین مرحله آن چه از اهمیت فزون تری برخوردار است، آن است که چه چیزی، از چه مجرای و برای چه، به مسأله مبدل شده (الوانی، ۱۳۸۵: ۳۵). در واقع مسأله به دو شکل خود را در فضای کشور متجلی می کند: یا حاکمیت با شناسایی مسائل ابتکار عمل را به دست می گیرد و یا خواسته عمومی و نیاز جمعی، موضوعی را به عنوان مشکل عمومی مطرح و آن را در دستور کار خط مشی گذاران قرار می دهد (هاولت، ۱۳۸۰: ۲۱۰).

بر سر تعریف این که چه چیزی عمومی هست یا نیست، مباحثی

ایران اکنون در مسیر توسعه قرار دارد یا آن چنان که برخی می گویند در حال حرکت روبه توسعه است؛ در چنین شرایطی چپستی و چرایی و چگونگی توسعه، مفاهیمی انداز جنس ضرورت و نه انتخاب. این که حاکمیت (به معنایی اعم از قوای سه گانه و نیز جای گاه رهبری در ایران) با چه روش و منشی این راه را می پیماید، می تواند نمودار دقیقی از وضع موجود و آینده پیش رو پدید آورد. نویسنده با این منطق، می کوشد تا حوزه عمل این بخش مهم را مورد بررسی قرار دهد.

رهبری در ایران، عالی ترین بخش هرم حکمرانی ملی است، این جایگاهی است مصرح در قانون اساسی که اصول متعددی آن را تأیید و تشریح کرده اند. این که رهبری با استفاده از چه روش ها یا کنش هایی در حال اداره کشور، وضع خط مشی گذاری های کلان و نظارت بر حسن اجرای سیاست های آن، موضوعی قابل توجه و ارزیابی است. اگر این تعریف پایه را که خط مشی را مجموعه اقدامات به نسبت ثابت و هدفمند معرفی می کند که از سوی یک فرد یا مجموعه ای از عوامل برای پرداختن به یک سری مسائل یا دغدغه ها دنبال می شود (دانایی فرد، ۱۳۸۸: ۱۳۰)، مورد توجه قرار دهیم، روش خط مشی گذاری رهبری در قبال مسائل ملی و چاره جویی برای مشکلات، می تواند از نگاهی الگویی مورد بررسی قرار گرفته، تا هنجارها، فرایندها یا مصادیق آن، مشخص و تحلیل شود.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در بیانی خاص درباره مسأله رهبری در جمهوری اسلامی فرموده بودند: «اگر به من بگویند خدمت گزار، بهتر از این است که بگویند رهبر؛ رهبری مطرح نیست، خدمت گذاری مطرح است، اسلام ما را موظف کرده که خدمت کنیم.» (صحیفه نور، جلد دهم: ۴۶۳) و در واقع ایشان، رهبری را خدمت گذاری به مردم توصیف می کنند. اگر چه ایده رهبر خدمت گزار در چهار چوب جمهوری اسلامی دارای تبانی جوهری با شکل غربی این مفهوم است - چرا که در این حاکمیت خدا به جای شهروند یا مشتری می نشیند - با این

وجود شماری از خصوصیات ذکر شده در این نظریه، قابلیت توسعه به حوزه مورد نظر در ایران را نیز دارد. گوش دادن، هم دلی کردن، آگاهی، متقاعد سازی، مفهوم سازی، آینده نگری و دوراندیشی، خادمیت و سرپرستی و تعهد به رشد افراد، پاره ای از ویژگی های یک رهبر خدمت گزار است که اصل خدمت به پیروان در بالاترین مرتبه قرار دارد (حضرتی، ۱۳۸۹: ۳۹). اگر چه همه موارد مذکور در نحوه خط مشی گذاری از جایگاه رهبری قابل توجه اند، اما چهار مفهوم هم دلی کردن، مفهوم سازی، آینده نگری و دوراندیشی و تعهد به رشد افراد، به نحو قابل توجهی در فرایندهای خط مشی گذاران همنادارند.

در این مقاله کوشیده شده با عنایت به مفاهیم مذکور شیوه تصمیم گیری و سیاست سازی در نقطه ثقل نظام مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از پاره ای نظریه های مرتبط با حوزه خط مشی گذاری عمومی، این شیوه ها توصیف شوند.

علاوه بر سند چشم انداز و سیاست های کلی، برخی جایگاه های سیاست گذاری دیگر نیز در هرم حکمرانی ایران تدارک دیده شده اند. برخی از مشهور ترین این مراکز شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای راهبردی روابط خارجی هستند. در سوم مرداد ۹۰ نیز در راستای اجرای بند هفت اصل ۱۱۰ قانون اساسی، هیأت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه تشکیل داده شد که از مجموعه فرایندهای تصمیم گیری، دو کاروبژه نظارت و اصلاح را تقویت خواهد کرد.